

Socio-Cultural Manifestations in Taleshi Riddles Common
in the Anbaran Region

Afshin Khanbabazadeh^{1*}

¹ Master of Arts in Ancient Iranian Languages - Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Tabriz, Tabriz, Email: khanbabazhadhafshin@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:
Received: 2025-6-6
Accepted: 2025-7-12

Keywords:
Taleshi Language
The Anbaran Region
Oral Literature
Riddles
Social Manifestations

ABSTRACT

Riddles are the main cultural components in various languages. Besides being entertaining, they play a principal role in transmitting knowledge and social values. In the Taleshi Anbaran language, riddles are part of folklore, mirroring Taleshi society's intelligence, creativity, and traditions. The current study examines riddles in the Taleshi language and seeks to analyze their roles in preserving the local tongue and culture. The study has explored their importance for linguistic identity and social communications by studying their linguistic structures, common motifs, and social applications. The study was conducted using a descriptive-analytical approach, and its data were collected in the field and library and were analyzed according to the content analysis. At the end, each riddle with its key words was translated separately. The study's findings indicate that the common Taleshi riddles in the Anbaran region are representative of its society's worldview, and they can be classified based on natural, growing, animate, inanimate groups, as well as spiritual, religious, and abstract themes.

Cite this article Khanbabazadeh, A. (2025). Socio-Cultural Manifestations in Taleshi Riddles Common in the Anbaran Region. *Journal of Literary and Social Research*, 4(2), 1-20.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/SIPL.2025.522118.1089



نمودهای فرهنگی و اجتماعی در چیستان‌های تالشی رایج در منطقه عنبران

افشین خانباززاده*

^۱ کارشناس ارشد زبان‌های باستانی ایران - دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه تبریز، تبریز، رایانامه: khababazadhafshin@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی	چیستان‌ها یکی از عناصر فرهنگی مهم در زبان‌های مختلف هستند که علاوه بر جنبه‌های سرگرمی، نقشی اساسی در انتقال دانش و ارزش‌های اجتماعی دارند. در زبان تالشی عنبران، چیستان‌ها به عنوان بخشی از ادبیات شفاهی، بیانگر هوش، خلاقیت و سنت‌های این جامعه‌اند. این مقاله به بررسی چیستان‌های زبان تالشی عنبران پرداخته و نقش آن‌ها را در حفظ فرهنگ و زبان محلی تحلیل می‌کند. از طریق بررسی ساختار زبانی، مضامین رایج و کاربردهای اجتماعی این چیستان‌ها، به اهمیت آن‌ها در هویت زبانی و ارتباطات اجتماعی پرداخته می‌شود. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شدند و به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شدند. در پایان هر چیستان نیز واژگان اصلی آن جداگانه ترجمه شدند. نتایج بیانگر این است که چیستان‌های تالشی رایج در منطقه عنبران معرف جهان‌بینی و بینش جامعه خود هستند و در گروه‌های طبیعی، رستنی‌ها، جانداران، بی‌جان‌ها، مضامین دینی و معنوی، و مضامین انتزاعی قابل طبقه‌بندی هستند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۲	
واژه‌های کلیدی: زبان تالشی منطقه عنبران ادبیات شفاهی چیستان‌ها نمود اجتماعی	

استناد: خانباززاده، افشین. (۱۴۰۴). مسیر نمودهای فرهنگی و اجتماعی در چیستان‌های تالشی رایج در منطقه عنبران. فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی و اجتماعی، ۴(۲)، ۲۰-۱.

Doi: 10.30488/SIPL.2025.522118.1089

ناشر: دانشگاه گلستان
© نویسنده‌گان



مقدمه

ادبیات عامیانه یکی از عوامل مهم بقای اقوام است. هر قومی که به آن ارج نهاد و از آن پاسداری کند باعث پیشرفت، پیروزی و ماندگاری خود می‌شود، «باید گفت که تحقیق درباره اعتقادات عوام نه تنها از لحاظ علمی و روانشناسی قابل توجه است، بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را برای ما روشن خواهد کرد. همچنین ما هرگز نخواهیم توانست پیشرفت‌های امروزی را ارج بنهیم و قدر بشناسیم مگر اینکه از گذشته‌مان آگاه باشیم و بدانیم دیروز چه بوده و امروز چه هستیم تا زمانی که افکار و اوهامی که همه با نام خرافات می‌شناسند جداگانه تدوین نشود، بیگانگان این عقاید سخیف را جزو عادات ملی ما می‌شمارند؛ حال آنکه تدوین آن به نام عقاید منسوخه قدمت و بی‌اهمیتی آن را می‌رساند» (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۱). بنابراین در راستای پاسداری از این میراث کهن ضرورت دارد که تمام ابعاد ادبیات شفاهی موجود در گویش‌ها از جمله گویش‌های زبان تالشی به صورت میدانی جمع‌آوری شود، چون «ارزش جهانی فرهنگ بدان سبب است که دانش عوام هر ملتی آینه ذوق و هنر و معرف خلق و خوی آن ملت و وسیله خوبی در راه شناختن خصوصیات آن قوم و جماعت است و چون اغلب با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می‌تواند سفیر حسن نیت و پیام‌آور دوستی یک ملت نزد سایر ملل جهان باشد؛ و در سرزمین پهناوری چون ایران شهرها و روستاهایش در شرق و غرب و شمال و جنوب کشور، پراکنده و دور از هم‌اند و مردم هر نقطه، لهجه خاص و فرهنگ عوامانه مخصوص به خود دارند. چون وقتی فولکلور هر منطقه یا هر طایفه را جداگانه بررسی و مطالعه کنیم، می‌بینیم که با وجود اختلافات ظاهری، ریشه و پایه و منشأ و منبع همه آنها یکی است و دلیل قاطع بر پیوندها و پیوستگی‌های مردم این مرز و بوم است» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰). بر همین اساس «ادبیات عامه از زندگی مردمی سرچشمه می‌گیرد که هنگام سخن گفتن جز بیان مطلب غرضی ندارند. اگر ادبیات عامه دشوار و پیچیده باشد درست به زبان جاری نمی‌شود و به سهولت از یاد می‌رود؛ در نتیجه امکان انتقال شفاهی آن سینه به سینه و نسل به نسل از میان می‌رود و به تدریج فراموش می‌شود؛ بنابراین، ناگزیر بی‌تکلف و به دور از پیرایه است» (فاضلی، ۱۳۸۱: ۸۳). ادبیات عامیانه خاستگاه مشخصی ندارند و به همین سبب است که نوشته‌اند: «متون شفاهی را باید در محدوده‌ای بسیار فراتر از یک استان بررسی کرد. محدوده‌ای که می‌توان یک حوزه تمدنی را شامل شود یا دست‌بالا محدود به مرزهای ملی یک کشور باشد» (جعفری‌قنوازی، ۱۳۹۲: ۳۳۸). بسیار مهم و لازم است که با جدیت این ادبیات جمع‌آوری شوند و به تمام گونه‌های آن از قبیل افسانه‌ها، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، کنایات، بازی‌ها، چیستان‌ها و... پرداخته شود چون «در پنهانی‌ترین لایه‌های زندگی مردم ریشه دارد، نه تنها گشاینده دشواری‌های متون ادبی، بل بازتابنده وقایع نانوشته تاریخ و فرهنگ این سرزمین کهن است. از آنجا که در تاریخ استبدادی ایران، بیان آزاد و صریح اندیشه برای شاعران ممکن نبوده است، از این رو، شاعران و نویسندگان، پیوسته به استعاره و تمثیل روی می‌آورده‌اند؛ اما ادب عامه چون مکتوب نبوده و سینه به سینه نقل می‌شده است، در آن این دشواری وجود ندارد و مسائل اجتماعی را به‌طور کامل بازتاب می‌دهد. به همین دلیل برای مطالعات تاریخی و اجتماعی بسیار کار آمد است» (ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۲۲). اقوامی که هیچ‌گونه آثار مکتوبی از خود به یادگار نگذاشته‌اند بررسی اجتماعیات در ادبیات شفاهی آن قوم، از ضروریات می‌باشد زیرا جامعه‌شناسی، شناخت علمی جامعه، مطالعه حیات اجتماعی و بررسی قوانین حاکم بر زندگی جامعه است (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۵). و «جامعه‌شناسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم اجتماعی به مطالعه علمی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد؛ یعنی جنبه‌هایی از زندگی انسان که از عضویت او در جامعه ناشی می‌شود را بررسی می‌کند» (کوثری، ۱۳۷۹: ۲۴). دستغیب نیز چنین آورده: «جامعه‌شناسی ادبی به عوامل بیرونی آفرینش اثر ادبی توجه دارد؛ زیرا معتقد است برای شناخت باورها، هنرها، زبان و رسوم باید انسان‌ها و نهادها و فراروندهای اجتماعی را به‌طور دقیق و علمی آزمود و بررسی کرد، از آنجا که انسان در جامعه زندگی می‌کند و در خانواده و تحت و تاثیر میراث‌های تمدنی و فرهنگی به رشد و بالندگی می‌رسد و هنجارهای آن را می‌پذیرد، ادبیات نیز مانند جامعه‌شناسی پیش از هرچیز با حوزه اجتماعی، سازگاری انسان با آن و شاید به همین دلیل، آرزوهایش در جهت دگرگون‌سازی آن، سر و کار دارد» (دستغیب، ۱۳۷۶: ۷۸).

چون ادبیات عامیانه ارتباط مستقیمی با جامعه خود دارد؛ یعنی برآمده از شرایط اجتماعی حاکم بر محیط می‌باشد. این جامعه و محیط است که بستر لازم را جهت تولید و اشاعه ادبیات عامیانه ایجاد می‌نماید، هنر عوام در آغوش جامعه به بار می‌آید و پیوند مستقیم و نزدیکی با زندگی تولیدی جامعه دارد و چون جوامع مختلف از حیث تولید، مراحل همانندی را می‌گذرانند، می‌توان در فولکلور اقوام گوناگون مشابهات فراوان یافت (آریان‌پور، ۱۴۰۱: ۹۷). با مطالعه و بررسی چیستان‌ها می‌توان اطلاعات دقیقی از چگونگی زندگی مردمان و آداب و رسوم‌شان بدست آورد، همانطور که محبوب می‌نویسد: «گاهی مطالعه آثار بازمانده فرهنگ عامه، چنان روشنگر اخلاق و وضع جامعه خویش است که هیچ کتاب تاریخ و جامعه‌شناسی نمی‌تواند چنین پرتوی به زندگانی آن روزگار بیفکند» (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۸). با تحلیل و بررسی ادبیات عامه فرهنگ و باورها، اجتماعیات جوامع آشکار می‌شود چون ادبیات عامه تجلی‌گاه فرهنگ جامعه خود است. با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان جامعه‌شناسی ادبیات را چنین تعریف کرد: «دانش جامعه‌شناسی ادبیات در پی ارتباط برقرار کردن میان ادبیات و شاخص‌های اجتماعی است. این رویکرد نوین، گرایشی از علوم اجتماعی است که به دنبال آن است تا ساختار و کارکرد اجتماعی ادبیات و ارتباطی که میان ادبیات و اجتماع و قاعده‌هایی که بر آن حاکم است، بررسی کند. علم جامعه‌شناسی، به صورت علمی رخدادهای اجتماعی را تحلیل می‌نماید و بدین ترتیب قسمت‌هایی از زندگی وی را که ناشی از عضویت وی در اجتماع است، بررسی می‌کند» (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۵). آشتیانی آورده: «جامعه‌شناسی ادبیات، به ارتباط میان ادبیات و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... در راستای قابل فهم کردن پدیده‌های ادبی و اجتماعی می‌پردازد» (آشتیانی، ۱۳۹۲: ۸). پس می‌توان بیان کرد که جامعه‌شناسی ادبیات مؤلفه‌های اجتماعی را در ارکان ادبیات رسمی و شفاهی بررسی می‌کند، «جامعه‌شناسی ادبیات در واقع بررسی و ژرف‌کاوی و تمرکز مطالعه در محتوای ادبیات به عنوان هنر کلام و شناخت جوهر اجتماعی آن است، ادبیات پدیده‌ای اجتماعی است که درک واقعیات را از خلال تصویرگری خلاق ممکن می‌سازد. بیان جریان اندیشه‌ها و عاطفه‌های شاعر و نویسنده به زبان تصویر است. شاعر به عنوان انسانی آگاه و حساس، ادراکات، عواطف و احساسات خود را با استفاده از کلمات و بهره‌جویی از تصاویر ذهنی به دیگر انسان‌های اجتماع منتقل می‌کند و از راه شاهرک‌های هنری سبب تغییراتی در جهان درون یا عالم پیرامون می‌شود» (ترابی، ۱۳۸۲: ۳۵). وظیفه جامعه‌شناسی ادبیات ایجاد پلی بین مردم و جامعه است: «در واقع تبیین و پژوهش و نقد اوضاع یک دوره از دیدگاه اجتماعی کاری است که از ادبای صاحب نظر به خوبی ساخته است و ایجاد پلی میان مردم و جامعه وظیفه‌ای است که جامعه‌شناسی ادبیات بر عهده دارد» (ستوده، ۱۳۸۷: ۵۸).

چیستان گونه‌ای از ادبیات عامه است که در اجتماع گویندگان خود ریشه دارد. بیانگر ارزش‌های اجتماعی، معرف جهان‌بینی، بینش و اندیشه جامعه خود است و از اهمیت و کارکرد بسیار زیادی برخوردار است. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است که چیستان‌های شفاهی را در بین اقوام تالشی زبان منطقه عنبران جمع‌آوری کند تا قدمی، هرچند کوتاه، در این راه بی‌پایان برداشته باشد.

منطقه عنبران و زبان تالشی

زبان تالشی یکی از شاخه‌های زبان‌های شمال غربی ایران است که در استان‌های گیلان و اردبیل و مناطق وسیعی از جمهوری آذربایجان رایج است. اقوام ساکن در این مناطق خود را «تولش» و زبانی را که بدان سخن می‌گویند «تولشی» می‌نامند. «زبان تالشی از جمله زبان‌های ایرانی شمال غربی است که تا حدود قرن دهم هجری در آذربایجان رایج بوده و از آن پس جای خود را به یکی از گویش‌های ترکی داده است. آثاری از این زبان به صورت دوبیتی‌هایی منسوب به ناحیه اردبیل و متعلق به قرن هشتم هجری در دست است» (جعفرقلیان، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۲). تالشی را به سه گروه تالشی شمالی، مرکزی، و جنوبی تقسیم می‌رضایتی کیشه خاله کند و می‌نویسد: «مقصود از تالشی شمالی، تالشی آن سوی رود ارس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است که ادامه آن در ایران تا کرگان‌رود تالش، پیش رفته است.

مراد از تالشی مرکزی، گویش‌هایی است که در قلمرو دو رودخانه شفارود در جنوب، و ناورود در شمال، تداول دارد. مراد از تالشی جنوبی، تالشی مناطق میان شفارود تا سفیدرود است که شامل تالشی خوشابری، ماسالی، ماسوله‌ای، سیاهمزیگی و دیگر گویش‌های جلگه‌ای گیلان می‌شود» (رضایتی کیشه خاله، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹). عنبران در شمال استان اردبیل منتهی به مرز کشور آذربایجان و در غرب گیلان واقع شده است، در محدوده گویش تالشی شمالی قرار دارد که گویشوران آن دارای لهجه‌ی عنبرانی می‌باشند. ماندگاری برخی واژه‌های کهن در تالشی عنبرانی اصالت و دیرینگی این لهجه را اثبات می‌کند. «ماندگاری برخی واژه‌ها و واژه‌های کهن در گویش تالشی شمالی، ضمن اثبات اصالت و دیرینگی آن، از نظر اجتماعی نیز بیانگر ارتباط درون گروهی گویشوران آن در گذشته بوده و نشان می‌دهد که عوامل برون زبانی در تحولات آن کمتر نقش داشته است» (رضایتی کیشه خاله، ۱۳۸۷: ۵۸).

پیشینه تحقیق

در زمینه چیستان‌های بومی و محلی ایران مطالعات زیادی صورت گرفته است که عبارتند از: طبقه‌بندی موضوعی چیستان در ترکی قشقایی (فلاحی و همکاران، ۱۴۰۲)، کتاب کوچه اثر احمد شاملو که بسیاری از چیستان‌های عامیانه را جمع‌آوری کرده است (۱۳۷۸)، بررسی نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانه میناب (سعیدی و همکار، ۱۳۹۷)، ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی (ذوالفقاری، ۱۳۹۲)، طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های عامیانه ایلامی (شوهانی، ۱۳۹۳)، تحلیل بلاغی چیستان در ادب عامه (پارسا، ۱۴۰۱)، تحلیل و بررسی چیستان در زبان کردی (گویش سورانی) (پارسا، ۱۴۰۱)؛ چیستان‌های مازندرانی (الهی و همکار، ۱۳۸۹). مهمترین اثر در زمینه چیستان‌های گویش‌های تالشی کتاب *چیستان‌های تالشی* اثر سید مؤمن منفرد چماچار (۱۳۹۳) است اما تاکنون هیچ پژوهش مستقل و قابل توجهی در زمینه چیستان‌های بومی و محلی عنبران صورت نگرفته است که با توجه به نمود بارز آن در ادبیات شفاهی عنبران، انجام این پژوهش ضروری به نظر رسید.

سؤالات تحقیق:

چیستان‌های بومی و محلی عنبران چگونه در انتقال ارزش‌های اجتماعی نقش دارند؟
گونه‌شناسی و طبقه‌بندی چیستان‌های منطقه عنبران به چه صورت است؟
آیا هنوز این چیستان‌ها رایج هستند؟

روش تحقیق

این پژوهش تلفیقی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش به کتابخانه‌ها و منابع مکتوب مراجعه شد، از تحقیقات و دانش موجود در این زمینه بهره‌مند شده و در متن پژوهش ارجاع داده شد و در قسمت منابع نیز اسامی معرفی شده است. مصاحبه‌های میدانی بیشتر در روستاهای استان‌های اردبیل و گیلان انجام شده است. پژوهشگر به روستاهای شهرستان‌های عنبران و آستارا که دارای قدمت بیشتری هستند و هنوز بافت قدیمی آنان دست نخورده مانده است، سفر کرده و داده‌های میدانی خود را درباره چیستان‌ها با مصاحبه با مردمان قوم تالش شمالی که بیشتر سالخورده بوده‌اند جمع‌آوری کرده است. پژوهشگر سوال‌های مربوط به چیستان‌های بومی و محلی را پرسید. گفتگو و مصاحبه با افراد ضبط شد، سپس یادداشت برداری انجام گرفت. میانگین زمان مصاحبه‌ها بین ۱۰ تا ۳۰ دقیقه بوده است. در ادامه، تمام مصاحبه‌ها کدگذاری شده و از گویش تالشی شمالی به زبان فارسی برگردانده شده است، مطالب مهم و واژگان مرتبط با چیستان‌ها و برداشت از آن‌ها را یادداشت کرده و در انتها به دسته‌بندی، آوانویسی و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است، واژگان مربوط به هر چیستان نیز جداگانه توضیح داده شد.

مبانی نظری تحقیق

ساختار چیستان‌ها آمیزه‌ای از هوش‌آزمایی، ادبیات و بازی ذهنی است. این گونه ادبی دیرینه‌ای بلند دارد. در روزگاران گذشته، چیستان‌ها را در نشست‌های خانوادگی به ویژه در شب‌های زمستان می‌گفتند (خاصه و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۷). چیستان سخنی بسته و پوشیده در وصف و سنجش چیزی با چیز یا چیزهای کاملاً متفاوت دیگر است. در چیستان معمولاً ویژگی‌ها و نشانه‌هایی از چیزی را به استعاره و کنایه برای آزمودن هوش شنونده بیان می‌کنند و از او نام آن چیز را می‌خواهند. چون این نوع سخن در زبان فارسی به صورت استفهامی بیان می‌شود و غالباً با کلمه مرکب «چیست آن؟» می‌آید، آن را اصطلاحاً «چیستان» نامیده‌اند (امام اهوازی، ۱۳۷۹: ۱۹). شمیسا در تعریف چیستان آورده: «لغز یا چیستان این است که به جای ذکر اسم چیزی، اوصاف آن را بیان کنند و خواننده و شنونده در ضمن آن اوصاف، پی به مورد وصف ببرد. به طوری که پس از تأمل بسیار ذهن متوجه موضوع شود» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۷۷). به عبارتی چیستان، پرسشی معماگونه است که با کلمات بازی می‌کند و پاسخ آن نیاز به تفکر و دقت دارد. هدف چیستان‌ها ایجاد چالش ذهنی، سرگرمی، و گاهی آموزش مفاهیم مختلف است. «در فرهنگ و ادب فارسی، چیستان به دو صورت نوشته، یا مکتوب و نانوخته، یا شفاهی رایج بوده است. چیستان‌های مکتوب همه منظوم و غالباً زاده اندیشه و احساس گروهی شاعر پارسی‌گوی بوده و در دیوان‌ها و دفترهای اشعار آنان آمده‌اند. چیستان‌های غیر مکتوب که بخشی از ادبیات شفاهی یا ادبیات عامه را در فرهنگ مردم شکل می‌دهند، زاده اندیشه تیز و احساس لطیف توده مردم هستند. این چیستان‌ها معمولاً گوینده شناخته شده ندارند و بیشتر آن‌ها نوع تلقی و برداشت جمعی مردم را از پدیده‌های طبیعی و محیط زیست بومی می‌نمایانند. چیستان‌های عامه به دو صورت نظم و نثر و با ساخت و ترکیبی ساده و زبان و بیانی روان و استعارات و تشبیهاتی فهم‌پذیر عامه در زبان مردم قشرهای گوناگون شهر و روستا می‌گردند» (امام اهوازی، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۲).

ویژگی‌های چیستان

چیستان از ادبیات شفاهی مردم سرچشمه گرفته است و سینه به سینه منتقل می‌شود. سازندگان چیستان مانند گویندگان دیگر عناصر فرهنگ مردم ناشناخته‌اند و همانند اقسام دیگر ادبیات شفاهی خالقان گمنام دارند. چیستان اغلب یک یا دو و به ندرت چند گزاره خبری یا پرسشی کوتاه به نظم یا نثر است. ساختی ساده دارد که با بهره‌گیری از عناصر پیرامونی و با توجه به اطلاعات پایه پرسش شنونده ساخته می‌شود. تنوع چیستان‌ها در مناطق مختلف و فرهنگ‌ها نشان از زنده بودن و کارکردهای زیاد این قالب دارد. و آن را اغلب برای کودکان می‌سازند و گویا از ابتدا برای ورزیدگی ذهن و تربیت و آموزش کودکان بنا شده است؛ اما در مواقع گوناگون در شب‌نشینی و جشن و سورهای خانوادگی جزئی از سرگرمی مردم بوده است؛ حتی در مجالس بزرگان و دربارها نیز رواج داشته است. چیستان ریشه در نگرش اجتماعی و باورهای مردمی و قومی دارد به پدیده‌های زندگی نظر می‌کند؛ بازتابنده رفتار مردم و آرزوها، اندیشه‌ها و خواسته‌های آنان است. چیستان، برابر طبیعت و فرهنگ مردم هر منطقه شکل گرفته است. خصلتی خلاقه و آفرینش‌گر دارد و همان‌گونه که پاسخ به آن به اندیشه نیاز دارد و خلاقیت می‌خواهد، طراحی آن نیز خلاقیت می‌خواهد (ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۲۷۰-۲۶۸).

کارکردهای چیستان

چیستان نتایج و اهداف خاصی را دنبال می‌کند؛ از جمله: **آموزشی- تربیتی**: سازندگان چیستان، می‌خواسته‌اند شناختی از اشیای پیرامون به مخاطبان بدهند یا با دادن مشخصات، نکاتی را به شنوندگان منتقل یا نکاتی از مطالب اجتماعی و خانوادگی را به آنها القا کنند. تحریک حس کنجکاوی: چیستان در حدت و تحریک ذهن بسیار موثر است. جوامع چیستان ساز و چیستان‌گو سؤال مدار و اهل جستجو و تحقیق‌اند. ایجاد سرگرمی و بازی: در جوامعی که

سرگرمی‌ها به کنش‌های کلامی منحصر می‌شد، چیستان‌گویی تفریحی سالم بود. رقابت‌های مثبت و پرورش روحیه حاضر جوابی: امتیاز چیستان در مقایسه با دیگر عناصر فرهنگ مردم، در کارکرد آن‌هاست که گوینده می‌کوشد با ایجاد فضایی پرشور و نشاط، موضوعی را مطرح کند تا مخاطبان با اظهار نظر مختلف، به نقطه قوت و پاسخ چیستان دست یابند (ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۲۷۶-۲۷۵). چیستان‌های رایج در منطقه عنبران گنجینه ارزشمندی است که فقط در سینه‌های سالمندان باقی مانده و احتمال نابودی و فراموشی آنان زیاد است چون «تحولات پرشتاب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عصر حاضر و ارتباطات درون مرزی و برون مرزی فرهنگ‌ها، فرهنگ عامه را کم‌کم پالایش و کمرنگ و بی‌معنا جلوه داده است. اگرچه شناخت و توجه بیشتر به فولکلور موجب تقویت روح معنوی بشر و وحدت ملی خواهد شد اما تمدن امروز، همچون ازدهایی گرسنه، تنوره کشیده و ارزش‌های به جای مانده ما را به کام خویش می‌کشد. دیگر مادران ایران زمین، آرزوها، دردها و رنج‌های خویش را در کالبد لالای‌ها به کودکان خویش نمی‌آموزند» (الهی و همکار، ۱۳۸۹: ۱۲). دیگر در شب‌نشینی‌های خود برای آموزش و سرگرمی با چیستان‌های به یادگار مانده از اجدادان خود، ذهن کودکان خود را به چالش نمی‌کشند. اما دریغ از اینکه بدانند برای شناختن خود، باید «بدانیم که در چه فرهنگی رشد کرده‌ایم و با چه فرهنگی زندگی می‌کنیم» (همان).

یافته‌های تحقیق

چیستان‌های رایج در منطقه عنبران را می‌توان در گروه‌های طبیعی، رستنی‌ها، جانداران، بی‌جان‌ها، مضامین دینی و معنوی؛ و مضامین انتزاعی دسته‌بندی کرد.

۱. پدیده‌های طبیعی:

چیستان‌های زبان تالشی که به پدیده‌های طبیعی می‌پردازند، نقش مهمی در انتقال دانش عامیانه و ارتباط مردم با محیط زیست دارند. این چیستان‌ها معمولاً از عناصر طبیعت مانند خورشید، ماه، باد، باران، کوه، دریا و حیوانات الهام می‌گیرند و به صورت استعاره و رمزگونه بیان می‌شوند. در این بخش، چیستان‌های تالشی مرتبط با پدیده‌های طبیعی جمع‌آوری و بررسی شده‌اند تا نحوه انعکاس باورها، دانش بومی و سبک زندگی مردم این منطقه مشخص شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که این چیستان‌ها نه تنها ابزاری برای آموزش و سرگرمی هستند، نشان‌دهنده نگاه عمیق تالشان عنبران به طبیعت و ارتباط معنوی آن‌ها با محیط اطرافشان نیز محسوب می‌شوند. علاوه بر این، تحلیل محتوای چیستان‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها دارای ویژگی‌های شاعرانه و ادبی هستند و می‌توانند به حفظ زبان تالشی و تقویت هویت فرهنگی مردم این منطقه کمک کنند. چیستان‌هایی که به طبیعت و عناصر آن ارتباط دارند به طور گسترده در بین مردم عنبران رایج است.

نه داستش هست نه لئنگ، نه چشش هست نه گوش، همه وئرش خبه هسته؟

na dāstš hest na leng na čašš hest na guš hama veraš xaba heste?

برگردان فارسی: نه دست دارد نه پا؟ نه چشم دارد نه گوش؟ از همه جا خبر دارد؟

پاسخ: وو < vo > باد.

معنای واژگان: لئنگ < leng > پا. همه وئرش < hama vraš > همه جا. چش < čaš > چشم.

او چیچه گامنده اخته بَیمه تا بمارده ساردنده یول بیه؟

av čiče gāmanda axta babama tā bamārde sārđanda yole babe?

برگردان فارسی: آن چیست در گرما آنقدر گریه می‌کند تا می‌میرد اما در سرما بزرگ می‌شود؟

پاسخ: بییه < biya > یخ.

یخ در گرما ذوب می‌شود و مانند اشک جاری می‌گردد، تا جایی که کاملاً از بین می‌رود. اما زمانی که گرما تمام شود و فصل سرما شروع شود دوباره شکل می‌گیرد و به نوعی متولد می‌شود و در ادامه فصل سرما رشد می‌کند و بزرگ می‌شود.

معنای واژگان: گامنده < gāmanda > در گرما. بَیمه < babama > گریه می‌کند.
بمارده < bamārde > می‌میرد. ساردنده < sārđanda > در سرما.

سوره دونزه مانگه رو کانه؟

sore donza māngə ro kāna?

برگردان فارسی: دوازده ماه سال راه می‌رود؟

پاسخ: رو < ru > رود.

رودخانه یکی از شگفتی‌های طبیعت است که همواره در جریان است و زمین را شکل می‌دهد و حیات را به مناطق مختلف هدیه می‌کند. رودخانه نمادی از زندگی و تلاش و کوشش است.

معنای واژگان: سور < sor > سال. دونزه < donza > دوازده. مانگ < māng > ماه.

آو چیچه هئژو هسته شونده وینش، روژنده وینیش؟

av čiče hežo həstə šavanda vinaš, ružanda vinaniš?

برگردان فارسی: آن چیست همیشه هست در شب می‌بینی ولی در روز آن را نمی‌بینی؟

پاسخ: آستوو < āstōva > ستاره.

ستاره‌ها در شب درخشان و قابل مشاهده هستند در روز آنان همچنان در آسمان هستند اما نور خورشید آن قدر قوی است که ستاره‌ها دیگر قابل مشاهده نیستند.

معنای واژگان: هئژو < hežo > همیشه. شونده < šavanda > در شب. وینش < vinaš > می‌بینی. روژنده < ružanda > در روز. وینیش < vinaniš > نمی‌بینی.

آو چیچه رو شینه لئنگش نی؟ بَمَنه چَشش نی؟

av čiče ro šina lengeš ni? bamana čašš ni?

برگردان فارسی: آن چیست راه می‌رود پا ندارد؟ گریه می‌کند اما چشم ندارد؟

پاسخ: کُلوک به آو < kolok be āv > ابر و باران.

ابرها چشم ندارند، اما وقتی باران می‌بارد گویی گریه می‌کنند، این یک تصویر شاعرانه از طبیعت و نقش ابرها در چرخه آب است.

معنای واژگان: رو < ro > راه. شینه < šina > می‌رود.

آو چیچه هار چخته بهو سی نیببه؟

av čiče hār čaxta baho si nibabe?

برگردان فارسی: آن چیست هر چقدر بخورد سیر نمی‌شود؟

پاسخ: ئوتش < utaš > آتش.

آتش هر چیزی را می‌بلعد و هرگز سیر نمی‌شود. هرچه بیشتر شود شعله‌ور می‌شود و همچنان به سوختن ادامه می‌دهد.

معنای واژگان: هار چخته < hār čaxta > هر چقدر. بهو < baho > بخورد.

سی نیببه < si nibabe > سیر نمی‌شود.

أو چیچه وو بهو وئی ببه او بهو کامه ببه؟

av čiče vō baho vei babə ūv baho kāmə babə?

برگردان فارسی: آن چیست باد بخورد زیاد می‌شود آب بخورد کم می‌شود؟

پاسخ: ئوتش < ūtaš > آتش.

معنای واژگان: وو بهو < vō baho > باد بخورد. وئی ببه < vei babə > زیاد می‌شود.

او بهو < ūv baho > آب بخورد. کامه ببه < kāmə babə > کم می‌شود.

رستنی‌ها:

چیستان‌های زبان تالشی که به رستنی‌ها (گیاهان، درختان، گل‌ها و دیگر انواع پوشش گیاهی) پرداخته‌اند، نشان‌دهنده دانش بومی مردم این منطقه درباره طبیعت و محیط زیست هستند. این چیستان‌ها اغلب از استعاره‌ها و تصاویر شاعرانه برای توصیف ویژگی‌های گیاهان استفاده می‌کنند و نقش مهمی در انتقال دانش عامیانه و حفظ ارتباط مردم با طبیعت دارند. نتایج بررسی این چیستان‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها علاوه بر جنبه سرگرمی، بازتاب‌دهنده رابطه عمیق مردم با طبیعت و دانش سنتی آن‌ها درباره گیاهان هستند. این چیستان‌ها همچنین در حفظ زبان تالشی و انتقال دانش زیستی از نسلی به نسل دیگر نقش مهمی دارند. بنابراین هنوز در بین روستا نشینان رواج دارند.

دو سنده نشسته لئف بشتان په‌په‌شته؟

do sanda nešta lef baštān pepešta?

برگردان فارسی: بالای درخت نشسته لحاف را به خودش پیچانیده؟

پاسخ: وئیز < veiz > گردو.

گردو روی درخت رشد می‌کند و پوست آن مانند یک لحاف دورش پیچیده شده است تا از گردو محافظت کند.

معنای واژگان: دو سنده < do sanda > بالای درخت. نشسته < nešta > نشسته.

لئف < lef > لحاف. په‌په‌شته < pepešta > پیچانیده.

أو چیچه گئله دی گئردو گنو همه حاوز دئلش همه سی اودمش گرد سیو؟

av čiče gelə dī gerdo kanu hama hāvz delaš hama se odameš gerd siyo?

برگردان فارسی: آن چیست یک روستا است که دور تا دورش سبز، داخلش قرمز، آدم‌هایش همه سیاه؟

پاسخ: زماستونی < zemāstuni > هندوانه.

معنای واژگان: گئله دی < gelə dī > یک روستا. گئردو گنو < gerdo kanu > دور تا دور.

حاوز < hāvz > سبز. سیو < siyo > سیاه.

أو چیچه س اولتئش تاکارده ، بوه نه قچی گینه نه دارزن؟

av čiče sa olateš tākārda bave na qači geina na dārzan?

برگردان فارسی: آن چیست لباس قرمز پوشیده، به آن نه قچی خورده نه سوزن؟

پاسخ: سنجه < senjə > سنجد.

سنجد پوستی قرمز دارد و بدون استفاده از قیچی، نخ یا سوزن، این لباس طبیعی به دور آن پیچیده شده است.

معنای واژگان: س اولت < sa olat > لباس قرمز. تاکارده < tākārda > پوشیده.

نه قچی گینه < na qači geina > نه قچی خورده. دارزن < dārzan > سوزن.

اَو چِیچِه سَبانده هارکسی چَوِه کانده رو شینه بَمَنه؟

av čiče sabānde hārkasi čave kānde ro šina bamana?

برگردان فارسی: آن چیست کوه قرمزی است که هرکس برای کندن آن می‌رود گریه می‌کند؟

پاسخ: پیوز < piyoz > پیاز.

پیاز پوست قرمز و لایه‌هایی متعدد دارد و هنگامی که کسی پوست آن را می‌کند و یا خرد می‌کند اشک از چشمانش جاری می‌شود، گویی که گریه می‌کند.

معنای واژگان: سَبانده < sabānde > کوه قرمز. هارکسی < hārkasi > هرکسی.

اَو چِیچِه حی آنده حاوزه بوزورآنده سیو کَنده سه؟

av čiče hianda hāvze bozoranda siyo kanda se?

برگردان فارسی: آن چیست که در مزرعه سبز است در بازار سیاه و در خانه قرمز است؟

پاسخ: چایی < čāi > چایی.

معنای واژگان: حی آنده < hianda > در مزرعه. بوزورآنده < bozoranda > در بازار.

کَنده < kanda > در خانه.

چایی در مزرعه سبز است. در بازار چایی خشک شده به رنگ سیاه است و پس از فروش در منازل وقتی دم می‌شود رنگ آن به قرمز یا قهوه‌ای مایل به قرمز تغییر می‌کند.

اَو چِیچِه حشی بگاردی اَو بگاردی؟

av čiče hašy bagārday av bagārday?

برگردان فارسی: آن چیست خورشید می‌چرخد او می‌چرخد؟

پاسخ: حشی گاردئش < hašy gārdeš > آفتابگردان.

آفتابگردان به سمت خورشید حرکت می‌کند و در طول روز با تغییر موقعیت خورشید سر خود را می‌چرخاند. این ویژگی خاص؛ آن را به نمادی از رشد، روشنایی و پیروی از نور تبدیل کرده است.

معنای واژگان: حشی < hašy > خورشید. بگاردی < bagārday > می‌چرخد.

اَو بگاردی < av bagārday > او می‌چرخد.

اَو چِیچِه هارکسی چَوِه سَ بَبئرو بَبَمی؟

av čiče hārkasi čave sa bebero babamay?

برگردان فارسی: آن چیست که هرکس سرش را بُرد گریه می‌کند؟

پاسخ: پیوز < piyoz > پیاز.

وقتی سر پیاز را می‌بریم یا خردش می‌کنیم، ترکیبات سولفوریک موجود در آن آزاد شده و باعث تحریک چشم‌ها و جاری شدن اشک می‌شود.

معنای واژگان: چَوِه سَ < čave sa > سر او. بَبئرو < bebero > بُرد.

بَبَمی < babamay > گریه می‌کند.

۱. جانداران و اعضای بدن:

چیستان‌های زبان تالشی دربارهٔ جانداران، بازتاب‌دهندهٔ ارتباط عمیق مردم تالشی با حیوانات و دنیای طبیعی پیرامونشان هستند. این چیستان‌ها نه تنها سرگرم کننده‌اند، بلکه دانش بومی دربارهٔ ویژگی‌ها، رفتارها و نقش حیوانات در زندگی روزمره مردم را منتقل می‌کنند. این چیستان‌ها نه تنها ابزار سرگرمی‌اند، بلکه به کودکان و نسل‌های جوان‌تر آموزش می‌دهند که چگونه حیوانات را بشناسند، رفتار آن‌ها را درک کنند و ارتباط درستی با محیط زیست خود برقرار کنند. همچنین، بسیاری از این چیستان‌ها حاوی نکات اخلاقی یا حکمت‌های عامیانه‌ای هستند که در طول نسل‌ها منتقل شده‌اند.

چیستان‌های زبان تالشی دربارهٔ اعضای بدن، بخشی از ادبیات شفاهی این منطقه هستند که با استفاده از استعاره‌ها و توصیفات رمزگونه، ویژگی‌های بخش‌های مختلف بدن انسان را بیان می‌کنند. این چیستان‌ها نه تنها جنبهٔ سرگرمی دارند، بلکه نقش مهمی در آموزش غیررسمی و انتقال دانش عامیانهٔ تالشان دربارهٔ بدن و عملکرد آن ایفا می‌کنند. این چیستان‌ها اغلب همراه با ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌های رایج در زبان تالشی بیان می‌شوند و به عنوان بخشی از آموزش کودکان و سرگرمی‌های خانوادگی به کار می‌روند. همچنین، برخی از آن‌ها با مفاهیم اخلاقی و فلسفی گره خورده‌اند و پیام‌هایی دربارهٔ زندگی و روابط انسانی منتقل می‌کنند. به همین علت چیستان‌های این دسته از بین نمی‌روند، بلکه مانند گذشته در طول نسل‌ها منتقل می‌شوند.

آو چیچه کامشَن ویی؟

av čiče kāmēšan vīy?

برگردان فارسی: آن چیست که کمش هم زیاد است؟

پاسخ: دشمن < dešmon > دشمن.

معنای واژگان: کامشَن < kāmēšan > کمترین قسمت از چیزی. ویی < vīy > زیاد.

آو چیچه لئنگش نی ولی رو شینه؟

av čiče legeš ni valī rō šina?

برگردان فارسی: آن چیست که پا ندارد ولی راه می‌رود؟

پاسخ: مور < mōr > مار.

معنای واژگان: لئنگش نی < legeš ni > پا ندارد. رو شینه < rō šina > راه می‌رود.

آو چیچه ایله کئنده هفت گئله حئله؟

av čiče ila kenda hāft gela hela?

برگردان فارسی: آن چیست کئنده‌ای است که هفت تا سوراخ دارد؟

پاسخ: اودمه س < ūdamə sa > سر آدمی.

معنای واژگان: هفت گئله < hāft gela > هفت تا. حئله < hela > سوراخ.

سیودنگله بئو ایله نوغنده؟

sivdeгла beva ila noyanda?

برگردان فارسی: سی و دو برادر در یک غار؟

پاسخ: داندون < dāndōn > دندان.

معنای واژگان: سیودئگله < sivdeglā > سی و دو تا. بئو < beva > برادر.
 نوع < noy > غار.

گئله ک دئلش گئرد سئی سئغ؟

gelə ka delaš gerd sepiya sey?

برگردان فارسی: یک خانه که داخلش همه سنگ سفید است؟

پاسخ: گو < gav > دهان.

معنای واژگان: ک < ka > خانه. دئلش < delaš > داخلش. سئی < sepi > سفید.
 سئغ < sey > سنگ.

او چیچه سپی قند نی رقی ریشه ش هسته دو نی؟

av čiče sepi γand ni raqe rišaš heste do ni ?

برگردان فارسی: آن چیست که سفید قند نیست رگ و ریشه دارد درخت نیست؟

پاسخ: داندون < dāndun > دندان.

معنای واژگان: رقی ریشه < raqe riša > رگ و ریشه. دو نی < do ni > درخت نیست.

او چیچه پنج بو کئلو ب س نوعه؟

av čiče pənĵ beva kelo ba sa noa ?

برگردان فارسی: آن چیست که پنج تا برادر هستند که کلاه بر سر دارند؟

پاسخ: نانگر و انگشته < āngešta va nānger > انگشت و ناخن.

معنای واژگان: کئلو < kelo > کلاه. ب س نوعه < ba sa noa > بر سر گذاشته.

او چیچه خاندئش بئمو سه رو بدیگه اشتان خنده باهارده؟

av čiče xāndeš bemō sə rū badiga eštān xānde bāhārdə?

برگردان فارسی: آن چیست صاحبش بمیرد سه روز دیگر گوشت صاحبش را می خورد؟

پاسخ: پیشیگ < pišig > گربه.

معنای واژگان: خاند < xānd > صاحب. بئمو < bemō > بمیرد. سه رو بدیگه < sə rū badiga > سه روز دیگر.

باهارده < bāhārdə > می خورد.

او چیچه خاندئش بئمو هئزو بوه وفودور بمانده؟

av čiče xāndeš bemō hezō bavə vafodor bamāndə?

برگردان فارسی: آن چیست صاحبش بمیرد همیشه به آن وفادار می ماند؟

پاسخ: سئپ < sepa > سگ.

معنای واژگان: هئزو < hezō > همیشه. وفودور < vafodor > وفادار. بمانده < bamāndə > می ماند.

۲. بی‌جان‌ها (خوراک، پوشاک، اشیاء و ابزارها):

چیستان‌های زبان تالشی دربارهٔ اشیاء، ابزارها و پوشاک بازتابی از زندگی روزمره، مهارت‌های دستی، و عناصر فرهنگی مردم این منطقه هستند. این چیستان‌ها با استفاده از توصیفات رمزگونه و استعاره‌های جذاب، ویژگی‌های مختلف اشیاء بی‌جان را بیان می‌کنند و به شکل سرگرم‌کننده‌ای دانش عامیانه را منتقل می‌کنند. ابزارهای سنتی و کشاورزی: چیستان‌هایی درباره داس، آسیاب، طناب، کوزه و وسایل مرتبط با زندگی روستایی که نشان‌دهندهٔ اهمیت کار و تولید هستند.

چیستان‌هایی درباره درب، قاشق و ظروف که نقش آن‌ها در زندگی خانوادگی و کارهای روزمره را بیان می‌کنند. چیستان‌هایی درباره کفش و گیوه که نماد حرکت، سفر و زندگی پویا هستند. این چیستان‌ها نه تنها جنبه سرگرمی دارند، بلکه کودکان و نسل‌های جوان‌تر را با اشیاء و ابزارهای سنتی تالشی آشنا کرده و به انتقال فرهنگ و سنت‌های این منطقه کمک می‌کنند؛ و هنوز در بین مردم منطقه رایج هستند و این شاید به کاربرد روزانه اسامی به کار رفته در این چیستان‌ها و اهمیت کار و تولید مربوط باشد.

دِ داستِش هسته لنگش نی لَوَش پوئه دومش نی ؟
lavas poa domeš ni ? de dāsteš heste Ingeš ni

برگردان فارسی: دو دست دارد یا ندارد شکمش پاره است دم ندارد؟

پاسخ: آخِلق < āxleq > کت.

معنای واژگان: دِ داست < de dāst > دو دست. لَوَش < lava > شکم. پوئه < poa > پاره. دومش نی < domeš ni > دم ندارد.

سوره دونزه مانگه ایله لئنگئسه مانده؟

sore donza māngə ila lengesa mānda?

برگردان فارسی: دوازده ماه از سال را روی یک پا مانده؟

پاسخ: بَ < ba > در.

معنای واژگان: سوره < sore > سال. دونزه < donza > دوازده. مانگ < māng > ماه. ایله لئنگئسه < ila lengesa > روی یک پا.

آو چیچه روژنده گنیزه شونده خانم؟

av čiče rožanda kanize šavanda xānm?

برگردان فارسی: آن چیست در روز کنیز و در شب خانم است؟

پاسخ: گنزه < geze > جارو.

معنای واژگان: روژنده < rožanda > در روز. شونده < šavanda > در شب. کنیز < kaniz > کنیز.

آو چیچه روژنده خانم شونده کنیز؟

av čiče rožanda xānm šavanda kanize?

برگردان فارسی: آن چیست در روز خانم و در شب کنیز است؟

پاسخ: لِف و نولی < lef o noli > لحاف و تشک.

معنای واژگان: روزنده < rožanda > در روز. شونده < šavanda > در شب.
کنیز < kaniz > کنیز.

او چیچه هارچخت چوه دئل او آکوش پور نیبیه؟

av čiče hārčaxta čavə dela ūv akoš pōr nibabə?

برگردان فارسی: آن چیست هرچه قدر آب داخلش بریزی پر نمی‌شود؟

پاسخ: پئلپارزن < pelapārzen > آب‌کش.

معنای واژگان: هارچخت < hārčaxta > هرچه قدر. او < ūv > آب. آکوش < akoš > بریزی.
آکوش < nibabə > نمی‌شود.

او چیچه سه گئله بون سون سوتن؟

av čiče sə gela bevan səvan sotan ?

برگردان فارسی: آن چیست سه تا برادر هر سه تا سوختن؟

پاسخ: کییه < kiya > اجاق سه پایه سفالی.

معنای واژگان: سه گئله بو < sə gela beva > سه تا برادر. سون سوتن < səvan sotan > هر سه تا سوختن.

او چیچه آستبه گوشتش نی آنگشتش هسته؟

av čiče āstabe gošteš ni āngštaš heste?

برگردان فارسی: آن چیست که استخوان و گوشت ندارد اما انگشت دارد؟

پاسخ: داسته گوآوی < dāstaguavi > دستکش.

معنای واژگان: آست < āsta > استخوان. آنگشت < āngšta > انگشت.

او چیچه شینه ساپه بوشه هست او مننه سارو کوشه هست؟

av čiče šina sāpə boše hest omana sāro koše hest?

برگردان فارسی: آن چیست وقتی که بالا می‌رود بار دارد می‌آید پایین کار دارد؟

پاسخ: کیچه < Kiča > قاشق.

معنای واژگان: شینه ساپه < šina sāpə > بالا می‌رود. او مننه سارو < omana sāro > می‌آید پایین.

بوشه هست < boše hest > بار دارد. کوشه هست < koše hest > کار دارد.

مینش جهندم کنوش دئیو؟

meineš jahendem kanuš deyo?

برگردان فارسی: وسط آن جهنم است و اطرافش دریا.

پاسخ: سیماور < simāvar > سماور.

معنای واژگان: مین < mein > میان، وسط. کنو < kanu > کنار. جهندم < jahendem > جهنم.

دئیو < deyo > دریا.

سماور ذغالی یکی از وسایل سنتی تالشان است که برای جوش آوردن آب و تهیه چای از آن استفاده می‌شد و جزئی از فرهنگ مردم منطقه است. با پیشرفت تکنولوژی دیگر از رونق افتاده است. این چیستان هم اشاره مستقیم به سماور ذغالی دارد و مانند اصل خود از رونق افتاده است.

آو چیچه سوری ایکره سیلی هانه؟

av čiče sory I kara syly hāna?

برگردان فارسی: آن چیست سالی یکبار سیلی می‌خورد؟

پاسخ: دیوو < divo > دیوار.

این چیستان به سبک معماری تالشان در منطقه عنبران اشاره دارد که خانه‌های کاهگلی از قدیم‌ترین و پایدارترین سبک معماری در این مناطق می‌باشد. این خانه‌ها با ترکیب خاک، آب، گاه و چوب ساخته می‌شوند، با گذشت زمان و عوامل محیطی مانند باران، برف و باد باعث فرسایش این سبک معماری می‌شوند و نیازمند ترمیم دوره‌ای کاهگل است که این کار سالی یک بار انجام می‌شود که زمانش قبل آمدن سرما در مهرماه می‌باشد، چون کاهگل را با دست به دیوار می‌کوبند و بعد صاف می‌کنند و این کار را تشبیه به سیلی شده است. در این چیستان به این سبک معماری ساختمان‌ها اشاره شده و با پیشرفت در این حوزه دیگر خانه‌ای با کاهگل ساخته نمی‌شود در نتیجه این چیستان هم کاربردی ندارد و به غیر از سالمندان کسی به جواب آن نمی‌رسد.

معنای واژگان: ایکره < I kara > یکبار. هانه < hāna > می‌خورد. سیلی < syly > سیلی.

آو چیچه تا پنه نشتوش رو نیبشه؟

av čiče tā peneneštoš ro nibaš?

برگردان فارسی: آن چیست تا سوارش نشوید راه نمی‌رود؟

پاسخ: شئم < šēm > چاروق.

در این چیستان به سبک پا افزارهای رایج در منطقه عنبران اشاره شده است که به نام شئم شناخته می‌شوند. نوعی پای‌افزار سنتی است که از پوست ساخته می‌شود. این چیستان در اکثر مناطق، کم رونق شده و فقط در روستاهای دور افتاده استفاده می‌شود.

معنای واژگان: پنه نشتوش < peneneštoš > سوارش نشوید. رو < ro > راه.

نیبشه < nibaše > نمی‌رود.

آو چیچه سپی ک بش نی؟

av čiče sepya ka baš ni?

برگردان فارسی: آن چیست خانه‌ای سفید است در ندارد؟

پاسخ: اویع < ūya > تخم مرغ.

معنای واژگان: سپی ک < sepya ka > خانه‌ای سفید. بش نی < baš ni > در ندارد.

این چیستان هنوز رواج دارد و بیشتر تالش زبانان از آن استفاده می‌کنند.

آو چیچه ایله لئنگئش هسته ایله چش؟

av čiče ila lengeš hestə ila čaš?

برگردان فارسی: آن چیست یک پا دارد و یک چشم؟

پاسخ: دارژن < dārzan > سوزن.

معنای واژگان: ایله < ila > یکی. لئنگ < leng > پا. چش < čaš > چشم. این چیستان منسوخ شده است.

۳. مضامین دینی و معنوی:

چیستان‌های تالشی با مضامین دینی و معنوی بخش مهمی از ادبیات شفاهی این منطقه را تشکیل می‌دهند. این چیستان‌ها اغلب با الهام از اعتقادات مذهبی، مفاهیم معنوی و باورهای مردم تالشی ساخته شده‌اند و نقش مهمی در انتقال ارزش‌های اخلاقی و دینی دارند. بسیاری از چیستان‌ها به عظمت خداوند، خلقت هستی و نقش ایمان در زندگی اشاره دارند. برخی چیستان‌ها بر مفاهیمی مانند صداقت، بردباری، نوع‌دوستی و فداکاری تأکید دارند. در برخی دیگر، عناصر مذهبی مانند نماز، روزه، قرآن، مسجد و دیگر نمادهای دینی مطرح می‌شوند. این چیستان‌ها علاوه بر جنبه سرگرمی، به عنوان ابزار آموزشی در محیط‌های خانوادگی و مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. والدین و بزرگان اغلب از این چیستان‌ها برای آموزش کودکان در زمینه‌های دینی و اخلاقی استفاده می‌کنند. همچنین، برخی از این چیستان‌ها حاوی حکمت‌های عرفانی و فلسفی هستند که درک عمیق‌تری از زندگی ارائه می‌دهند. چیستان‌هایی که مضامین دینی و معنوی دارند، به‌طور گسترده در بین همه اقوام تالش زبان (شمالی، جنوبی و مرکزی) رایج است و آن به سبب ارزش بالای قرآن به عنوان کتاب آسمانی در بین تالشان است.

سوره دونزه مانگه بَ خُندو پداشته؟

sore donza māngə ba xedo pedāšta?

برگردان فارسی: دوازده ماه سال را به بالا نگاه می‌کند؟

پاسخ: چول < čul > چاه.

معنای واژگان: خندو < xedo > خدا. پداشته < pedāšta > به بالا نگرستن.

دونزه < donza > دوازده.

آو چیچه هار کسی باحاندو دئلئش پور نور ببه؟

av čiče hārksi bāhāndō deleş pōra nōrə babə?

برگردان فارسی: آن چیست هر کسی بخواند دلش پر از نور می‌شود؟

پاسخ: قرآن < qōrān > قرآن.

این چیستان به آیه بیست و دوم سوره زمر و همچنین به آیه سی و پنجم سوره نور اشاره دارد.

معنای واژگان: باحاندو < bāhāndō > بخواند. دئلئش < deleş > وجودش، قلبش.

پور نور ببه < pōra nōrə babə > پر از نور می‌شود.

۴. مضامین انتزاعی:

چیستان‌های تالشی با مضامین انتزاعی، یکی از جذاب‌ترین بخش‌های ادبیات شفاهی این زبان هستند که با استفاده از استعاره‌های پیچیده، مفاهیم غیرمادی و ذهنی را به شکل رمزگونه بیان می‌کنند. چیستان‌های انتزاعی نه تنها به تقویت مهارت‌های تفکر و تحلیل ذهنی کمک می‌کنند، بلکه بخش مهمی از حکمت عامیانه تالشان را حفظ و منتقل می‌کنند. بسیاری از این چیستان‌ها برای آموزش غیرمستقیم اصول اخلاقی و فلسفی به کودکان و جوانان استفاده

می‌شوند. عنبرانی‌ها نمادهای چون..... در قالب چیستان‌ها آورده‌اند. چیستان‌هایی که در آن‌ها از مضامین انتزاعی استفاده شده به طور گسترده در بین همه اقوام تالش زبان (شمالی، جنوبی و مرکزی) رایج است و آن نشان‌دهنده این است که تالشان از نظر قدرت و درک و تحلیل انتزاعی یکی از اقوام شاخص ایران هستند.

آ شینم او ماندینه؟

ā šinam av māndina?

برگردان فارسی: من می‌روم او می‌ماند؟

پاسخ: لنگه ریز < lengariz > رد پا.

ردپا: ردپا از نظر مفهومی می‌تواند هم یک تصویر واقعی باشد و هم یک مضمون انتزاعی. در معنای فیزیکی، ردپا نشان‌دهنده جای پای انسان یا حیوان روی سطحی مانند خاک، برف یا ماسه است. اما از دیدگاه انتزاعی، رد پا می‌تواند نماد تأثیرگذاری، حضور یا خاطره‌ای باقی‌مانده از کسی یا چیزی باشد. مثلاً در ادبیات و هنر، "رد پا" گاهی استعاره‌ای از تأثیرات ماندگار یا نشانه‌هایی از گذشته است که در ذهن و دل انسان‌ها باقی می‌ماند. این چیستان به طور گسترده رایج است.

معنای واژگان: آ < ā > من. شینم < šinam > می‌روم. او < av > او. ماندینه < māndina > می‌ماند.

آپئینم اون پئینه؟

ā peinam avan peina?

برگردان فارسی: من راه می‌روم او هم با من راه می‌رود.

پاسخ: سو < so > سایه.

سایه: سایه یکی از مضامین انتزاعی جذاب در هنر، ادبیات و فلسفه محسوب می‌شود. در نگاه فیزیکی، سایه چیزی است که بر اثر برخورد نور به یک جسم ایجاد می‌شود، اما در معنای انتزاعی، می‌تواند نماد هویت، عدم قطعیت، خاطرات و حتی بخش‌های پنهان از وجود انسان باشد. «سایه در منظر انسان شرقی، به ویژه در نگرش‌های عرفانی، نماد ناپایداری، بی‌هویتی و وابستگی است. عرفا کوشیده‌اند با استفاده از تمثیل سایه، نحوه ارتباط بین خلق و حق را تبیین کنند و تصویری ذهنی از چگونگی نسبت این عالم با خداوند را در ذهن مخاطب ایجاد کنند. به باور آنان، عالم با بهره‌مندی از ساز و کار تجلی از نفس رحمانی ظهور یافته و هرآنچه در مراتب گوناگون هستی هست، چیزی جز پدیدارهای متکثر از یک بود واحد نیست؛ که یکی هست و هیچ نیست جز او، وحده لا اله الا هو» (احمدی‌خواه، ۱۴۰۲: ۲۱).

معنای واژگان: آپئینم < ā peinam > من راه می‌روم. اون پئینه < avan peina > او هم راه می‌رود.

اون < avan > او هم. این چیستان به طور گسترده در بین همه اقوام تالش زبان (شمالی، جنوبی و مرکزی) رایج است.

او چیچه هار بکی شینش بتن دی؟

av čiče hārbaki šinaš batandai?

برگردان فارسی: آن چیست هر کجا می‌روی همراه توست؟

پاسخ: سو < so > سایه.

معنای واژگان: هار بکی < hārbaki > هر کجا. شینش < šinaš > می‌روی؟

بتن دی < batandai > همراه توست، با تو است.

تنها منبع این چیستان سالمندان هستند.

أَو چیچه بتن دَی، اَوَندَ تار بیننی؟

av čiče batandai ūvanda tār binani?

برگردان فارسی: آن چیست با تو است ولی با آب خیس نمی‌شود؟

پاسخ: سو < so > سایه.

معنای واژگان: بتن دَی < batandai > همراه توست. اَوَندَ < ūvanda > در آب.

تار < tār > تر، خیس. بیننی < binani > نمی‌شود.

تنها منبع این چیستان سالمندان هستند.

أَو چیچه بادامه قدری دَنیو گُرد چَوه دَئل دَشین؟

av čiče bādāme qadaray denyō gerd čave dela dašina?

برگردان فارسی: آن چیست اندازه بادام است همه دنیا داخلش جا می‌شود؟

پاسخ: چَش < čaš > چشم.

چشم انسان، به عنوان نماد شناخت و بینش مافوق طبیعت، گاه دارای خصوصیتی شگفت‌انگیز می‌شود.

معنای واژگان: بادامه قدری < bādāme qadaray > اندازه بادام است. دَنیو < denyō > دنیا.

گُرد < gerd > همه. چَوه دَئل < čave dela > داخل آن. دَشین < dašina > می‌رود داخل.

این چیستان فقط در بین بزرگسالان رواج دارد و کم‌کم از رونق افتاده است.

أَو چیچه اخته گُونه اودمه کُؤ کانی اخته شینه اودمه کُؤر کانی؟

av čiče axta gevōnē ūdame ku kānāy, axta šinē ūdamē kūr kānāy?

برگردان فارسی: آن چیست آن قدر سنگین است آدم را کور می‌کند و آن قدر شیرین است آدم را کُر می‌کند؟

پاسخ: حان < hān > خواب.

معنای واژگان: گُون < gevōn > سنگین. اودم < ūdam > آدم. کُؤ < ku > کور، نابینا.

کانی < kānāy > می‌کند. شینه < šinē > شیرین است. کُؤر < kūr > کُر، ناشنوا.

این چیستان به دست فراموشی سپرده نشده و هنوز بین تالشان رایج است.

أَو کی وینی ولی وینی؟

av ki vinay vali vinani?

برگردان فارسی: آن کیست می‌بیند ولی نمی‌بیند؟ ساخت این چیستان با تناقض همراه است.

پاسخ: بسوود < bəsavōd > بی‌سواد.

معنای واژگان: اَو کی < av ki > آن کیست. وینی < vinay > می‌بیند. وینی < vinani > نمی‌بیند.

این چیستان به طور گسترده در بین همه اقوام تالش زبان (شمالی، جنوبی و مرکزی) رایج است و آن به سبب ارزش

بالای سواد در بین تالشان است.

نتیجه‌گیری

چیستان‌های تالشی عنبران، به عنوان بخشی ارزشمند از ادبیات شفاهی این منطقه، نقش مهمی در انتقال دانش، باورها و فرهنگ مردم دارند. زیرا این چیستان‌ها بخشی از فرهنگ شفاهی مردم تالش زبان عنبران هستند و مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و سنت‌های اجتماعی رایج را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند که در قالب معما و بازی‌های ذهنی بیان می‌شوند. این پژوهش با بررسی چیستان‌های مرتبط با پدیده‌های طبیعی، رستنی‌ها، جانداران، اعضای بدن، اشیاء و ابزار، مضامین دینی، معنوی و انتزاعی نشان می‌دهد که نه تنها ابزاری برای سرگرمی، بلکه وسیله‌ای برای آموزش، حفظ زبان تالشی و تقویت هویت فرهنگی این منطقه هستند و تأثیرات عمیقی بر ذهن و تفکر انسان دارند. ذهن را به چالش می‌کشند و ما را وادار می‌کنند که خارج از چارچوب معمول فکر کنیم. بسیاری از چیستان‌های تالشی عنبرانی برگرفته از طبیعت و عناصر زندگی روزمره هستند و به ما یادآوری می‌کنند که جهان پر از شگفتی و راز است. چیستان‌های طبیعی بازتاب‌دهنده ارتباط عمیق مردم تالشی با عناصر طبیعت و نشان‌دهنده باورهای عامیانه در مورد محیط زیست هستند، هرچند که سرگرم کننده هستند باعث می‌شوند که بیشتر درباره اطرافمان فکر کنیم. پرداختن به چیستان‌های بومی و محلی می‌تواند به حفظ میراث فرهنگی، تقویت روابط اجتماعی، و ارتقای کیفیت زندگی افراد کمک کند. بنابراین، باشناسی و توسعه چیستان‌های بومی نه تنها در حفظ سنت‌ها بلکه در ارتقای ارتباطات اجتماعی و رشد فردی نیز نقش مهمی دارد. این چیستان‌ها، که از گذشته‌های دور در جوامع مختلف رواج داشته‌اند، علاوه بر این در توصیف این چیستان‌ها توسط گویش‌وران، لغات و اصطلاحات تخصصی مختص هر چیستان که تعدادشان هم کم نیست به کار رفته که از منظر زبان‌شناسی قابل بررسی هستند چون در دل آن‌ها گنجینه‌های فراوانی از واژه‌هایی که دیگر کاربرد ندارند نهفته است مانند «آستوو» (āstōva)؛ به معنی ستاره این واژه دیگر کاربردی ندارد و در مسیر فراموشی قرار دارد. چیستان‌های اشیاء و ابزارها بازتاب‌دهنده سبک زندگی تالشان و اهمیت وسایل سنتی در زندگی روزمره هستند. چیستان‌های مرتبط با رستنی‌ها دانش مردم درباره گیاهان، کاربردهای درمانی، و نقش آن‌ها در معیشت را حفظ و منتقل می‌کنند. چیستان‌های اعضای بدن با استفاده از استعاره‌های زبانی، نقش اعضای بدن در زندگی و رفتار انسانی را بیان می‌کنند. چیستان‌های دینی و معنوی با بهره‌گیری از مفاهیم اخلاقی و مذهبی، ارزش‌های فرهنگی و عرفانی تالشان را نشان می‌دهند. چیستان‌های انتزاعی به اندیشه‌های فلسفی و مفاهیمی مانند زمان، احساسات و سرنوشت پرداخته و به تفکر عمیق‌تر دعوت می‌کنند. در نهایت چیستان‌ها به ما کمک می‌کنند تا هم‌زمان بازی کنیم، بیاموزیم و رشد کنیم. این تحقیق نشان می‌دهد که چیستان‌های تالشی عنبران دارای عمق فرهنگی، تاریخی و زبانی هستند و همچنان به عنوان یک میراث زنده، در میان مردم جریان دارند. حفظ و مستندسازی این چیستان‌ها می‌تواند به پایداری زبان تالشی، انتقال دانش بومی، و تقویت هویت فرهنگی کمک کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری در زمینه جمع‌آوری و تحلیل چیستان‌های شفاهی تالشان انجام شود تا این گنجینه ارزشمند برای نسل‌های آینده حفظ گردد.

منابع

- آریان‌پور، امیرحسین (۱۴۰۱). *جامعه‌شناسی هنر*، تهران: انتشارات گستره.
- آشتیانی، منوچهر (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی تاریخی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- احمدی‌خواه، احسان؛ عباسیان، محمد علی (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی سایه در جهان‌شناسی عرفان، *پژوهش‌نامه عرفان*، سال پانزدهم، شماره ۲۹: ۱ - ۲۵.
- الهی، یوسف؛ گودرزی، شهرام (۱۳۸۹). *چیستان‌های مازندرانی*، ساری: انتشارات شلفین.
- امام‌اهوازی، محمدعلی (۱۳۷۹). *چیستان‌نامه دزفولی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- پارسا، سید احمد (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی چیستان در زبان کردی گویش سورانی، *مجله فرهنگ و ادبیات عامه*. دوره ۱۰، شماره ۴۳: ۱-۲۴.
- پارسا، سید احمد (۱۴۰۱). تحلیل بلاغی چیستان در ادب عامه، *مجله فرهنگ و ادبیات عامه*. دوره ۱۰، شماره ۴۳: ۱-۲۴.
- ترابی، علی اکبر (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی*، تهران: انتشارات فروزش.
- ترابی، علی اکبر (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، تبریز: فروغ آزادی.
- جعفرقلیان، طاهره (۱۴۰۱). *ادبیات عامه*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۲). *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خاصه، علی اکبر؛ غفاری، سعید (۱۴۰۱). *تاریخ و ادبیات شفاهی و محلی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۶). *در آیین نقد*، تهران: حوزه هنری.
- ذوالفقاری، حسن (۱۴۰۱). *زبان و ادبیات عامه ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی. *مجله فرهنگ و ادبیات عامه*. دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۸.
- رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۹۰). *زبان تالشی توصیف گویش مرکزی*، رشت: انتشارات فرهنگ ایلپا.
- رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۷). نمودهای اجتماعی و مردم شناختی در گویش تالشی، *گویش‌شناسی*، شماره ۵ (۱)، صص ۷۹-۵۵.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۷). *جامعه‌شناس ادبیات فارسی*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سعیدی، سهراب؛ اسماعیلی، محبوبه (۱۳۹۷). بررسی نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانه میناب، *فصلنامه اورمزد*، شماره ۴۳، شماره ۲، صص ۴-۲۴. (شماره ۲ یا ۴۴)
- شاملو، احمد (۱۳۷۸). *کتاب کوچک*، تهران: انتشارات مازیار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: انتشارات میترا.
- شوهانی، علیرضا (۱۳۹۳). طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های عامیانه ایلامی، *مجله فرهنگ و ادبیات عامه*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۱). فرهنگ عامه و ادبیات عامه فارسی، *کتاب ماه هنر*. شماره ۴۳، صص ۸۳. (ذکر صفحات مقاله ضروری است).
- فلاحی، محمدهادی و همکاران (۱۴۰۲). طبقه‌بندی موضوعی چیستان در ترکی قشقایی. *دوفصل‌نامه پژوهش‌های زبانی و ادبیات کاربردی*، دانشگاه ولایت، دوره دوم، شماره ۱: ۱۱-۲۶.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۹). *تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: باز.
- محجوب، محمد جعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران*، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.
- منفرد چماچار، سید مؤمن (۱۳۹۳). *چیستان‌های تالشی*، رشت: انتشارات فرهنگ ایلپا.
- هدایت، صادق (۱۳۷۸). *فرهنگ عامیانه مردم ایران*، تهران: نشر چشمه.